اعلامیه

وحدت گروه پویا (ادامهٔ گروه فلسطین) و سازمان انقلابیون کمونیست (م-ل)

پس از یک دوره فعالیت مشترک و همکوشی های ایدئولوژیکی ـ سیاسی و عملی میان دو جریان مارکسیستی ـ لنینیستی "گروه پویا (ادامهٔ گروه فلسطین)" و "سازمان انقلابیون کمونیست (م-ل)" و رسیدن به اندیشه و برداشت واحدی از مسائل و وظایف مقابل جنبش انقلابی ایران، هردو جریان نام برده در تیرماه امسال تصمیم خود را به وحدت کامل اعلام داشته و برآن شدند که بعنوان یک جریان ایدئولوژیکی ـ سیاسی و سازمانی واحد بنام "اتحادیه کمونیستهای ایران" کار خود را در سطح نوینی آغاز کنند.

"اتحادیه کمونیستهای ایران" نشریه سیاسی نوینی را بنام "حقیقت" انتشار خواهد داد که هدف از آن افشای بیرحمانهٔ رژیم سلطنتی و بیدادگری امپریالیسم و عمالش در ایران، یاری رساندن به نشر آگاهی سوسیالیستی در میان طبقهٔ کارگر و تسریع بیداری دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران و مجاهدت در راه حل مسائل جنبش انقلابی و شتابان دن فرآیند وحدت ایدئولوژیکی، سیاسی و سازمانی کمونیستهای ایران است. "اتحادیه کمونیستهای ایران" در عین حال میکوشد همراه با نشریهٔ نامبرده ـ ولی هرچند ماه یکبار ـ یک مجلهٔ سیاسی و تئوریک نیز در خدمت هدفهای بالا بهمان نام "کمونیست" انتشار دهد. "اتحادیه کمونیستهای ایران" مهمترین وظیفهٔ کنونی جنبش را سازمان دادن یک تشکیلات انقلابی، منضبط، پنهان و همه جا گسترده در ایران دانسته و در این راه همهٔ کمونیستها و همرزمانی را که از لحاظ ایدئولوژیکی و برنامه‌ئی با ما همداستانی دارند به همکاری و همسوئی فرا میخواند.

بدیهی ما مبرمترین وظیفهٔ سیاسی جنبش انقلابی و در پیشاپیش آن جنبش کمونیستی ایران، بسیج و رهبری تودههای ایرانی برای براندا ختن قهری حکومت استبدادی ـ فاشیستی دست نشاندهٔ موجود و کسب آزادی، دموکراسی و استقلال میهن است. مبارزهٔ عادلانهٔ خلقهای قهرمان ما بخش جدائی ناپذیری از مبارزهٔ انقلابی خلقهای آسیا و جهان علیه استعمار نوین امپریالیستهای آمریکائی و سگان زنجیریشان، علیه توسعه طلبی سوسیال ـ امپریالیسم روس و دنباله روانش، علیه سایر امپریالیستها، فاشیسم و ارتجاع بین المللی است.

کمونیستهای ایران نیک میدانند که باید دشمن غداری روبروند. مبارزهٔ طبقهٔ کارگر و مردم ایران جهت براندا ختن مهمترین تکیه‌گاه امپریالیسم و پایگاه ارتجاع و فاشیسم در منطقه و با توجه به ذینفعی مستقیم بورژوازی و رویزیونیسم غارتگر بین المللی در برده سازی و اسارت مردم ما، مجاهدتها و آزمایشهای سخت و سهمناکی را از سوی کمونیستها و سایر انقلابیون ایران طلب میکند. مجاهدتها و آزمایشهائی که بهمان اندازه‌ی سختی و سهمناکیشان در تعیین سرنوشت خلقهای متعدد منطقه‌ی ما و در شتابان دن فرآیند انقلاب جهانی دارای نقش و اهمیت اند.

جامعهٔ ما دریازیست که در زیر منگنه بیدادرژیم ستمگر پهلوی و تجاوز وغارت امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی دست و پا میزند و مردم هر روز بیشترخواهان دگرگونی وضع موجود و دست زدن به یک مبارزهٔ قطعی برای رهائی خویش از یوغ اسارت امپریالیسم و عمال ستمگر بومیش میشوند. تودههای مردم ایران و بویژه طبقهٔ کارگر قهرمان ما، که در سالهای اخیر سراسر کشور را به میدان مبارزات دادخواهانه و جنگ و گریز با استثمارگران بیگانه و بومی و غدارمندان استبداد پهلوی تبدیل کرده بیش از پیش در جستجوی

www.iran-archive.com

زحمتکشان شهر و روستا پایه میگیرد و بطور کلی مقاومت توده‌های مردم در برابر بحران وسیعی که هم اکنون همه‌ی "نظم" جامعه را تهدید میکند و در برابر ستمگریها و بیدادطبقات حاکمه و اعمال حکومتی رژیم فاسد و دست نشانده سلطنتی افزایش یافته و به صور گوناگون خود را بروز میدهد. زمینه‌ی مساعدی که در دوازده سال اخیر مانند نداشته برای درآمیختن جنبش کمونیستی با مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر و یا مبارزه‌ی توده‌های ستمدیده‌ی مردم، و برای متحد شدن مردم ایران تحت رهبری یک حزب کمونیستی پدید آمده است.

ضرورت پیدا شدن یک ستاد انقلابی که به گرد آن همه‌ی کارگران و به گرد طبقه‌ی کارگر همه‌ی توده‌های ستمدیده‌ی مردم ایران حلقه زده، نیروهای پراکنده‌ی کمونی خود را تحت فرماندهی آن یکجا و در زیر پرچم آزادی و رهائی کشور به نبرد قطعی برخیزند، بیش از پیش و به طرز دردناکی احساس میشود.

پراکندگی و نشئت صفوف جنبش انقلابی ایران، و بویژه نبود حزب مارکسیستی ـ لنینیستی طبقه‌ی کارگر در ایران ـ که تنها ستادی است که توانائی سازمان دادن و رهبری این مبارزه‌ی بزرگ را دارا میباشد ـ دشواری عظیمی را در برابر گسترش و ارتقاء سطح جنبش انقلابی و حرکت پیروزمند انه‌ی مردم علیه دار و دسته‌ی حاکم و امپریالیسم پدید آورده است. مایه این آموزش حیدر عمواوغلی رهبر بزرگ جنبش کمونیستی و کارگری ایران که گفت "بدون رهبری حزب آزادی کشور امکان پذیر نیست" عمیقا باور داریم و دهها سال تجربیات مثبت و منفی نبردهای رهائی بخش مردم میهن مان نیز بر درستی و حقانیت این حکم گواهی داده است.

طبقه‌ی کارگر و مردم ما نمیتوانند بدون داشتن حزب کمونیست که خواهند توانست از درون قوای پراکنده و غیرمتشکل ولی آماده به پیکار کنونی خود، که در زیر فشار و قهر سیاسی رژیم و ترور ایدئولوژیکی و فرهنگی طبقات حاکمه دست و پا میزنند، آنچنان قدرت سهمناک و ویرانگری را پدید آورند که دشمن غسار حاکم را هرچند هم که متمرکز و سفاکانه عمل کند، یارای و توانائی مقاومت در برابر آن نباشد.

طی ۲۳ سالی که از شکست استراتژیکی جنبش دموکراتیک و ملی مردم ایران در ۲۸ مرداد ۳۲ می‌گذرد، محافل، گروهها و سازمانهای انقلابی و کمونیستی بسیاری بوجود آمده‌اند که در انتشار ایده‌های مارکسیسم ـ لنینیسم و جلب نیروهای تازه‌ئی از میان روشنفکران و کارگران پیشرو بسوی کمونیسم ورزیده دار کردن جنبش کمونیستی و احیای سنن انقلابی آن در دل نسل کنونی نقش بسزائی داشته‌اند. طی این مدت گروههای متعددی از کمونیستهای ایران در زیر فشار ترور و اختناق حاکم از میان رفتند. زندانها و سیاهچالهای رژیم از کمونیستها، و پیروان دیگر روندهای انقلابی و مترقی آکنده گشت، وصدها تن از پویندگان راه پرولتاریای ایران بشهادت رسیدند. لیکن با وجود همه‌ی این تلفات و با وجود آنکه رژیم استبداد و ترور حاکم ـ بویژه در این دوازده سال اخیر ـ به وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب توسل جسته جنبش کمونیستی همچنان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است. اکنون جنبش پهناوری از کمونیستها در سراسر میهن ما جریان دارد. اندیشه‌های رهائی بخش مارکسیسم ـ لنینیسم هم اکنون در دیگر قشر وسیعی از روشنفکران و جوانان تحصیل کرده‌ی طبقات مترقی را زیر نفوذ گرفته و نیز بخش معینی از کارگران پیشرو را بسوی خود جلب کرده است ـ قوائی که از اعتبار قابل توجهی نیز در اذهان توده‌های کارگری و مردم رنجدیده‌ی ما برخوردار است ـ و در حالیکه جامعه‌ی ملتهب ما چون کویری تشنه از نبود حزب انقلابی پرولتری خویش میسوزد و ظهور آن را با اشتیاق وصف ناپذیری طلب میکند، این قوا بس پراکنده و نابسامان است. در حالیکه کمونیستهای ایران طی دو دهه‌ی اخیر مبارزات خود در سخت‌ترین شرایط دیکتاتوری و با وجود دادن شهدا و اسیران بسیار همچنان استوار در برابر کارزارهای خونین و ترور سیاسی رژیم مقاومت کرده و حتی به طرز شگفت انگیزی به دامنه‌ی فعالیت خود گسترش نیز داده‌اند، هنوز نتوانسته‌اند خود را از پراکندگی وسیع و ارتجاعی رهائی بخشند و پراکنده کاری ژرفی که همه‌ی عرض و طول جنبش پهناور ما را فرا گرفته وارهانند. هنوز دشوارترین پای تئوریکی جنبش ما اساسا حل و فصل نشده‌اند. آشفتگی ایدئولوژیکی و رخنه‌ی انحرافات غیرمارکسیستی و ضد مارکسیستی در صفوف آن موانع بزرگی را در برابر تکوین و شکل گیری یک برنامه‌ی سیاسی واحد، که حزب برآن پایه برپا گردد، بوجود آورده است. هم اکنون جرگه طلبی در جنبش، دامنه‌ی نسبتا وسیعی داشته و انحرافات گوناگونی سرنوشت جنبش را تهدید میکند. از آن جمله محافل و گروههای معینی همچنان از مشی چریکی ـ که انقلابیون را از توده جدا کرده، از یکسو آنان را در جنگ تن بتن با حکومت رها کرد و از سوی دیگر راه را برای رسوخ کج اندیشیهای راست و رویزیونیستی در میان کارگران و توده‌ی مردم باز میگذارد ـ دست برنداشته‌اند. بدتر آنکه صفوف نهضت ما هنوز از برداشتها و تعابیر مجعول رویزیونیسم معاصر از اوضاع جاری کشور پاک نشده است. حال آنکه تلاش رویزیونیستهای مرتد "کمیته مرکزی" برای رسوخ در جنبش انقلابی و جنبش توده‌ای مردم و بانحراف کشاندن آنها نه تنها کاهش نیافته بلکه در سالهای اخیر با حمایت و پشتیبانی وسیعی که از سوی سوسیال امپریالیسم شکارروس دریافت میدارند، افزایش نیز یافته است و بیم آن میرود که باوجود پراکندگی و پراکنده کاری وسیعی که در جنبش انقلابی و کمونیستی ما جریان دارد و با توجه به پایدار ماندن انحرافات غیر و ضد مارکسیستی راست و "چپ" و سکوت ایدئولوژیکی و سیاسی بسیاری از محافل و گروههای زیرزمینی در ایران، عمال رویزیونیسم مرتد بین المللی و داغ ننگ خورد گان اپورتونیسم کهن فرصت یابند تا بدرون صفوف جنبش ما حق طلب توده‌های مردم مارخنه کرده و طبقه‌ی کارگر و مردم ما که دیر باز یست رزیر فشار سهمناک ترور ایدئولوژیکی وسیاسی طبقات حاکمه در اشتیاق و آرزوی دست یابی به ابزاری جهت متحد گردانیدن و فشردن صفوف خویش میسوزند، بگمراهی و بیراهی کشند و مبارزه‌ی خلقها قهرمان ما را برای دموکراسی و استقلال ملی بموجه العصا لحه‌ی خود با سردمداران جنایتکار رژیم و به وجه المعامله‌ای در کارزار رقابت جویانه‌ی سوسیال امپریالیسم شکارروس با امپریالیستهای خونخوار آمریکائی و نوکران بومیشان تبدیل کنند. بعلاوه با تراکم هرچه بیشتر مصالح بحران اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی ایران و تشدید تضادهای درون طبقات حاکمه‌ی کنونی و همچنین با ورود قشرهای تاکنون خفته و از نهضت رویگردانده‌ئی از صفوف بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه به صفوف مخالفین رژیم ـ در حالی که این امر خود می‌تواند به دامنه‌ی نهضت دموکراتیک و ملی وتوسعه بخشیده و حتی در صورت وجود حزب کمونیست دامنه‌ی تاثیر جنبش انقلابی و قدرت آنرا در جامعه افزایش دهد ـ بیم آن میرود که در شرایط پراکنده کاری پراکنده کاری کنونی و توجه بخش مهمی از نیروهای انقلابی و کمونیستی به جرگه طلبی، و بعملیات پراکنده‌ی جدا از مبارزه پایگاههای اصلاح طلبی بورژوائی و مبارزات مسالمت جویانه در زیر رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه درباره توسعه و قوام یافته، حتی بخش مهمی از نیروهای کمونیستی و انقلابی کنونی را نیز بزیر بال خود کشانده و بارد یگر مردم ما را در آن کورراههای شوم گذشته سرگردان و دموکراسی ایران را با شکست مواجه سازد.

ما امید بسته‌ایم که کمونیستهای ایران به ضرورت زمانه و نیاز مبرم جنبش دموکراتیک مردم ایران پی برده و در راه همدستی و همگامی و سرانجام وحدت صفوف جنبش پراکنده‌ی خویش جدا تلاش ورزند، در راه آگاه گردانیدن طبقه کارگر و گسترش آموزش و تبلیغات سیاسی در میان توده‌های مردم و بسیج یک جنبش انقلابی دموکراتیک در زیر رهبری مارکسیست ـ لنینیستی امکانات خود را یکی کنند، در سنگر بغمالیتهای مشترک در عرصه‌ی مبارزات روزمره و انقلابی مردم زده و متحد در مبارزات طبقاتی ملی شرکت کنند و نیز اختلافات ایدئولوژیکی و برنامه‌ای خود را با طرح حل آنها علنا طرح کرده و ببحث گذارند. بویژه آن محافل و گروهائیکه حاضر بطرح و بحث علنی و وسیع مسائل جنبش انقلابی نبوده و عملا خود را بسکوت ایدئولوژیکی و سیاسی محکوم کرده‌اند، آنها را از درون جرگه‌ها و محافل و سازمانهای خویش بیرون آورند و بدین سان زمینه‌ی مساعد را برای تسریع فرایند وحدت اندیشه و عمل جنبش کمونیستی میهن فراهم گردانند، تا بجریان تکوین و شکل گیری حزب مارکسیست ـ لنینیستی طبقه‌ی کارگر ایران شتاب بیشتری داده شود. ما با آنکه تنها بیان وحدت بخش بسیار کوچکی از جنبش پهناور کمونیستی میهنمان هستیم، امیدواریم این اقدام ما برانگیزنده‌ی سایر بخشهای جنبش کمونیستی ایران و افزایش تلاش خود برای هموارکردن این راه وحدت جنبش ما گردد. و ما بیگمان آماده‌ایم تا تمامی امکانات و توانائی هرجند کم و ناچیز خود را در این راه بکار اندازیم.

راهی برای رهائی خویش، خواهان آزادی و دموکراسی، تشنه‌ی آموزش سیاسی، آگاهی، راهیابی، اتحاد، تشکیلات و مبارزه و رهائی اند.

در سالهای اخیر با رشد جنبش خود بخودی کارگران، افزایش تعداد اعتصابات و بالا گرفتن موج نارضایتی در میان قشرهای وسیعی از طبقه‌ی کارگر و همراه با تشنگی کشور، طبقه‌ی کارگر خود را برای احیای مبارزات توده‌ئی سیاسی خویش علیه استبداد و امپریالیسم و برای گشودن راه بسوی سوسیالیسم آماده میکند. ناخشنودی از وضع موجود و حرکتهای اعتراضی در میان

اتحاد به کمونیستهای ایران ـ مرداد ۱۳۵۵

www.iran-archive.com